

تخمین تاریخ تولد فتحعلی خان صبا و سرودن شاهنشاهنامه^۱ (ص ۵-۱۸)

رضا زرین کمر^۲، رضا ستاری^۳

چکیده

شاهنشاهنامه صبا به عنوان نخستین منبع تاریخی ادبی درباره جنگ‌های ایران و روس، از جمله آثاری است که ارتباط تنگاتنگ میان درک متن و بافت تاریخی آن را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که شناخت دقیق تاریخ سرودن این منظومه - که در گرو تخمین دقیقی از زمان تولد شاعر است - در درک درست رخدادها و نقل شده در اثر، نقش مهمی دارند. همچنین اهمیت یک منبع دست اول تاریخی مانند شاهنشاهنامه، در فاصله زمانی روایت حوادث با وقوع آن حوادث است. به رغم اهمیت صبا و شاهنشاهنامه، جزئیات مهمی از زندگی شخصی و ادبی فتحعلی خان صبا، کاشانی، ملک الشعرای دربار فتحعلی شاه، مشخص نیست. از جمله نکات تاریخی مغفول یا مغلوپ درباره زندگی صبا، تاریخ تولد و سرودن مهم‌ترین منظومه او، شاهنشاهنامه، است. در شرایطی که هیچ منبع دست‌اولی در باب تاریخ‌های مذکور سخن نگفته است، منابع بعدی ناچار به تخمین این تاریخ‌ها شده‌اند و متأسفانه در تخمین زمان، اشتباه کرده‌اند. در پژوهش حاضر، از روش گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده است. مطالب جمع‌آوری شده از منابع مکتوب، با داده‌های دیگر مقایسه و تحلیل شده‌اند. در نتیجه، صبا در ۱۱۷۶ق. به دنیا آمده، منظومه شاهنشاهنامه را در بازه زمانی ۱۲۲۱ تا ۱۲۲۵ق. نوشته و احتمالاً از سال ۱۲۲۶ تا ۱۲۲۹ق. نیز مشغول سرودن خداوندنامه بوده است. بنابراین شاهنشاهنامه نخستین متن موجود درباره جنگ‌های دور اول ایران و روس است. این منظومه تنها منبعی است که به صورت هم‌زمان، وقایع را گزارش کرده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ تولد فتحعلی خان صبا، دوره سرودن شاهنشاهنامه، شاهنامه‌سرایی در عصر قاجار، خداوندنامه، مکتب بازگشت.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پسادکتری از سوی «صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور» (INSF) است.

۲. پژوهشگر دوره پسادکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران
(نویسنده مسئول)
rezaza1986@yahoo.com

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران
rezasatari@umz.ac.ir

Estimating the Dates of Fath-Ali Khan Sabā's Birth and the Composing of *Shahanshahnameh*

Reza Zarrinkamar¹, Reza Sattari²

Abstract

Sabā's *Shahanshahnameh* as the first historical-literary source of Iran-Russia wars, is one of the works that represent the close relationship between understanding the text and its historical context; in such a way that knowing the exact date of this poem's composition - which depends on an accurate estimate of the poet's birth - plays a significant role in understanding the events mentioned in the work. Also, the importance of a primary historical source as *Shahanshahnameh* is related to the time span between the narration of events, and when incidents actually occurred. Although both Sabā and his masterpiece, *Shahanshahnameh*, are so prominent, there are not enough crucial details available of the personal and literary life of Fath-Ali Khan Sabā, poet laureate of Fath-Ali Shah's Court. Among the unknown or erroneous historical facts about Sabā's life are his date of birth, and the composing time of his notable poem: *Shahanshahnameh*. In the circumstances that no primary source had mentioned these dates, the subsequent resources have been forced to estimate them, and unfortunately, they have made mistakes in their estimations. In the present study, the data are collected through Research Library Method; the collected data from the written sources was compared and analyzed. The results of this research are that Sabā was born in 1176 AH. He had been composing *Shahanshahnameh* at the period of 1221 to 1225 AH. and subsequently, he probably had been writing *Khodavandnameh* from 1226 to 1229 AH. Thus, *Shahanshahnameh* is the first available text about the first round of Iran-Russia wars. This Poem is the only source that has reported events simultaneously.

Keywords: Birth date of Fath-Ali Khan Sabā, the date of composing *Shahanshahnameh*, Shahameh-writing in Qajar era, *Khodavandnameh*, Literary Return (Bazgasht-e adabi)

-
1. Postdoctoral researcher, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran (corresponding author), email: rezaza1986@yahoo.com
 2. Associated professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran, email: rezasattari@umz.ac.ir

۱. مقدمه

فتحعلی خان صبا از شاخص‌ترین چهره‌های ادب فارسی در دو قرن گذشته است. اهمیت صبا برای ادب فارسی، فراتر از ارجمندی فردی او به‌عنوان شاعری توانا است. صبا از یک سو نقشی تأسیسی در نهضت بازگشت ادبی در دوران صدر قاجار^۱ دارد و از سوی دیگر، دبستانی برای شاعران نسل بعد خود ساخته است. او در دورانی نقش‌آفرینی کرد که ایران پس از چند دهه آشوب برآمده از انقراض صفویان و سقوط اصفهان (۱۱۳۵ق) فرصت و فراغتی برای تنفس و آرامش نسبی یافته بود. با به قدرت رسیدن فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ق) که فردی فرهنگ‌دوست و شعرشناس بود، فضایی تازه برای تجدید حیات ادبی مهیا شد. انجمن‌های ادبی کوچکی که در گوشه و کنار بودند، با حمایت فتحعلی شاه، گرد هم آمدند و در نتیجه، «انجمن خاقان» - فتحعلی شاه خود را خاقان می‌خواند - شکل گرفت که سبک بازگشت ادبی را تثبیت و تقویت کرد. محور این تحولات ادبی فتحعلی خان صبا بود.

فتحعلی خان صبا در جوانی به‌واسطهٔ خاندان دیوانی‌اش، به دستگاه زندیه راه یافت و مدیحه‌سرای آخرین حاکم زند، لطفعلی خان، شد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۶۴۱). با سقوط زندیه، صبا چندی متواری بود تا در شیراز به دستگاه ولیعهد قاجار، خان باباخان جهانبانی - فتحعلی شاه آینده - وارد شد (آریان‌پور، ۱۳۸۷: ۲۱). با مرگ آقامحمد خان و جانشینی فتحعلی شاه، صبا به‌عنوان ملک‌الشعرا به همراه پادشاه به تهران رفت و زمینه‌ساز روزگاری نو برای ادب فارسی شد. در دوران ملک‌الشعرایی، صبا توانست شمار بسیاری از ادیبان عصر را گرد آورد و صفحه‌ای تازه بر تاریخ ادبیات فارسی بیفزاید. مکتب بازگشت کوشید تا با تقلید از عصر زرین ادب فارسی، آن روزگار پرشکوه ادبی را تکرار کند. تحلیل دستاوردها و نتایج سبک بازگشت در حوزهٔ این پژوهش نیست، اما نقش تأسیسی صبا در این مکتب محل توجه است. شأن و جایگاه حکومتی صبا، در کنار قدرت و توانایی شاعری، سبب شد که در چشم هم‌عصرانش در قامت یکی از بزرگ‌ترین شاعران تاریخ ادب فارسی جلوه کند؛ تا آنجا که فاضل خان گروسی، دیوان صبا را «ناسخ دیوان ابوالفرج و عنصری و آشوب جان خاقانی و انوری» می‌داند (فاضل گروسی، ۱۳۷۶: ۱۵۲) و مفتون می‌گوید: «جناب صبا از هیچ‌یک از شعرای معنی‌آرا چون فرخی و عسجدی و عنصری و معزی و خاقانی» کمتر نیست (دنبلی، ۱۳۴۳: ۴۳).

اهمیت صبا در دوران قاجار چنان بود که پس از مرگش، منصب ملک‌الشعرایی تا یک قرن در خانوادهٔ او باقی ماند (نخجوانی، ۱۳۲۹: ۷۱) و نوهٔ او، محمود خان صبا، آخرین ملک‌الشعرا رسمی ایران بود. شمار بسیاری از خویشان و وابستگان صبا در میان شاعران نامدار عصر بودند. از این رو خاندان صبا را نخستین خاندان ادبی تاریخ ایران خوانده‌اند (ملک‌الشعرا بهار؛ به نقل از: صبا، ۱۳۱۳: ی). همچنین در دبستان صبا، شاعران بزرگی چون قائنی و ادیب، بالیدند.

۲. طرح مسئله

تاریخ ادبیات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علوم ادبی، نیازمند اطلاعات پالوده و درست از وقایع روزگار و زندگی ادیبان است. تساهل در شناخت دقیق بافت تاریخی زندگی هنرمندان و خلق آثار، موجب کژتابی در درک کامل از متن می‌شود. فتحعلی خان صبا شاعری نام‌آور و مشهور بود. نام و سرگذشت او در تذکره‌های پرشمار روزگار، با تجلیل و تفصیل آمده است؛ بعضی تذکره‌ها صبا را از باقی ادیبان عصر جدا کرده و در صدر آورده، پس از آن، ادیبان دیگر را به ترتیب الفبا مرتب نموده‌اند (دنبلی، ۱۳۴۳: ۳۹). به‌رغم این حجم از توجه، جزئیات مهمی از زندگی صبا همچنان مجهول و مغفول است، جزئیاتی که دانستن آن‌ها در شناخت روزگار و درک بهتر آثار شاعر تأثیری بسیار دارد. طرح نادرست برخی از جزئیات مربوط به صبا در تاریخ ادبیات در کتاب‌های مرجع، به‌صورت متوالی و متواتر در پژوهش‌های پسین تکرار می‌شود و روایی اطلاعاتی غلط، ممکن است به کژتابی در فهم دقایق متن بینجامد.

از جمله مسائلی که درباره فتحعلی خان صبا مغفول مانده یا به اشتباه محاسبه شده است، تاریخ تولد اوست. شاید در نگاه اول، اهمیت تدقیق تاریخ تولد صبا چندان به چشم نیاید، اما شناخت روزگار و تاریخ شاعر بلندآوازه‌ای چون صبا، دریچه‌ای به فهم بهتر زندگی و عصر اوست. همچنین اشاعه اطلاعات نادرست تاریخی، نوعی اهمال در علم تاریخ ادبیات است و زمینه‌ساز کژفهمی متن ادبی می‌شود. افزون بر مسئله تاریخ تولد، زمان سرودن اثر مهم صبا، شاهنشاهنامه، در منابع گوناگون به اشتباه ثبت شده است. این پژوهش در پی آن است تا با کمک اطلاعات مستخرج از آثار صبا و تطبیق آن با وقایع تاریخی، ابتدا نادرستی تاریخ‌های مطرح‌شده برای تولد ملک‌الشعرای کاشانی و زمان سرودن شاهنشاهنامه را نشان دهد، سپس تخمینی نزدیک به واقع از آن تاریخ‌ها ارائه کند.

۳. پرسش‌های پژوهش

- ۱- ۳. تخمین‌های اشتباه بعضی پژوهشگران از تاریخ تولد صبا و سرودن شاهنشاهنامه، از کجا نشئت می‌گیرد؟
- ۲- ۳. چه ارتباطی میان تاریخ تولد صبا و زمان سرودن شاهنشاهنامه وجود دارد؟
- ۳- ۳. شناخت دقیق تاریخ سروده شدن شاهنشاهنامه، چه اهمیتی دارد؟

۴. پیشینه پژوهش

نخستین تخمین درباره تولد صبا را محمدتقی بهار در مقدمه گلشن صبا ارائه کرد (صبا، ۱۳۱۳: و - ۵). پس از او، جلال‌الدین همایی در نقد نظر بهار، تاریخی جدید پیشنهاد کرد (همایی، ۱۳۸۵: ۱۹۷ و ۱۹۸).

دربارهٔ زمان سرودن شاهنشاهنامه، کتاب مرجع «از صبا تا نیما» تاریخ آغاز سرودن اثر را ۱۲۲۸ ق. خوانده است (آریان پور، ۱۳۸۷: ۲۲). پیش از او نیز صفایی در «نهضت ادبی ایران در دورهٔ قاجار» این تاریخ را آورده بود (صفایی، بی تا: ۲۲). پس از آن این تخمین‌های نادقیق، به پژوهش‌های دیگر راه یافته و با تکرار و تواتر، تا حدی تثبیت شده است. بسیاری از پژوهش‌ها از جمله مقالات یا پایان‌نامه‌ها سال ۱۲۲۸ ق. را به عنوان زمان شروع سرودن شاهنشاهنامه پذیرفته‌اند (برای نمونه نک. متولی حقیقی، ۱۳۸۴: ۵۷ و بیاتی، ۱۳۹۴: ۷۱)

این مقاله در ادامه به بررسی و تحلیل تاریخ‌های ارائه شده در پژوهش‌های پیشین می‌پردازد، بنابراین از تکرار آن‌ها در بخش پیشینهٔ پژوهش، خودداری شد.

۵. بحث و بررسی

تذکره‌های پرتعداد روزگار صبا، دربارهٔ وقایع زندگی او سخن گفته‌اند که بر سر جزئیاتی از آن، اختلافاتی چند وجود دارد؛ مثلاً در تاریخ وفات صبا، منابع به سال ۱۲۳۴ ق. (دنبلی، ۱۳۴۳: ۴۴)، ۱۲۳۷ ق. (ضرابی، ۱۳۷۸: ۳۲۵) و ۱۲۳۸ ق. اشاره کرده‌اند (محمود میرزا قاجار، ۱۳۴۶: ۸۰). جالب آنکه دو منبعی که فاصلهٔ چهارسالهٔ فوت صبا را ثبت کرده‌اند، توسط دو تن از نزدیکان ملک الشعرا و به فاصلهٔ یک سال نوشته شده‌اند. با توجه به این گونه اختلافات، می‌توان پذیرفت که برخی جزئیات زندگی صبا حتی در روایت معاصران او نیز محل اختلاف بوده؛ مثلاً یکی از مسائل مهم دربارهٔ زندگی صبا، تاریخ سرودن منظومهٔ شاهنشاهنامه است. این تاریخ - چنان که گفته خواهد شد - با تاریخ تولد صبا مرتبط است؛ از آنجا که صبا در دیباچهٔ شاهنشاهنامه خود را چهل و پنج ساله خوانده است (صبا، ۱۲۲۵: ۱۶)، چنانچه کسی در تعیین تاریخ سرودن شاهنشاهنامه توفیق یابد، می‌تواند تاریخ تولد صبا را نیز تخمین بزند. در مقابل، تشخیص نادرست تاریخ سرودن منظومه، منجر به درک نادرست تاریخ تولد شاعر می‌شود.

۵-۱. تخمین‌هایی برای تولد صبا

تذکره‌های عهد قاجار، دربارهٔ تولد فتحعلی خان صبا سخن نگفته‌اند. مسکوت بودن این تاریخ مهم، باعث شد که پژوهشگران نسل بعدی، تاریخ ولادت صبا را تخمین بزنند؛ در این راستا، محمدتقی بهار و جلال‌الدین همایی، تاریخ‌هایی پیشنهاد کرده‌اند. برای آشنایی بهتر با چگونگی تخمین این دو استاد، جزئیات محاسبهٔ ایشان عیناً گزارش می‌شود:

۵-۱-۱. تخمین بهار

محمدتقی بهار از وابستگان خاندان صبا است؛ جد او میرزا احمد صبور، علاوه بر آنکه از مقامات نظامی دوران فتحعلی شاه بود، به عنوان شاعر نیز از جایگاه درخور توجهی برخوردار بود. بهار از نخستین کسانی است که در روزگار جدید به فتحعلی خان صبا پرداخته و درباره این شاعر برجسته و دوران ساز سخن گفته است. پژوهشگر دانایی چون بهار به خوبی می‌دانست که آشکار نبودن تولد صبا، نقطه تاریکی در تاریخ ادبیات روزگار صدر قاجار است، از این رو، سال تولد ملک الشعراء کاشانی را تخمین زد. بهار در مقدمه گلشن صبا (۱۳۱۳: و - ه)، چنین می‌نویسد:

«سال ولادت وی [فتحعلی خان صبا] به تحقیق معلوم نیست، ولی نظر به آنکه در مقدمه برخی از نسخه‌های گلشن صبا و تمام نسخ شاهنشاهنامه، خود را چهل و پنج ساله می‌خواند و از طرفی هم معتمدالدوله می‌گوید که صبا در سفری که فتحعلی شاه برای محاربه روس از پایتخت عزیمت کرده و به آذربایجان رفته بود، ملتزم رکاب بوده و داستان یکی از حروب را که از آن آگاهی داشت به بحر متقارب به نظم آورده و به عرض رسانیده و مورد قبول یافته، امر شد که تاریخ قاجاریه را از ابتدا تا انتها به نظم درآورد و او به نظم شاهنشاهنامه پرداخت و نیز می‌دانیم که سفر فتحعلی شاه به آذربایجان و استقرار اردوی او در چمن اوجان در سنه ۱۲۲۴ بوده و مراجعتش از آن سفر در آخر همان سال به وقوع پیوسته، پس صبا در این سال چهل و پنج ساله بوده و ناگزیر ولادتش در سنین ۱۱۷۹ صورت گرفته است. فوت او هم به نقل مجمع‌الفصحاح در ۱۲۳۸ روی داده است. پس صبا در سن شصت یا پنجاه و نه سالگی بدرود حیات گفته است، و ظاهراً اینکه مرحوم لله‌باشی [رضاقلی خان هدایت] می‌نویسد: «عمر معقولی نموده» مرادش همین سن پنجاه و نه یا شصت است، چه اگر تا هفتاد سال می‌زیست، می‌نوشت که: عمری دراز یا طولانی نموده و کلمه «معقول» به اصطلاح آن وقت برای تعیین مقدار یا مبلغ یا زمانی است که از حد متوسط قدری بهتر ولی به حد اعلی نرسیده باشد.»

۵-۱-۲. تخمین همایی

استاد جلال‌الدین همایی، در حاشیه مجمع‌الفصحاح هدایت، هنگامی که درباره صبا سخن می‌گوید، متوجه اشاره نکردن منابع به تاریخ ولادت ملک‌الشعرا هست. او برای پر کردن این خلأ تاریخی، اقدام به اجتهاد می‌کند. استاد همایی، در ابتدا «اجتهاد» بهار را ذکر و با ادله تاریخی رد می‌نماید تا تخمین جدیدی ارائه دهد. او در تحلیل تاریخ تخمینی بهار چنین می‌نویسد:

«در این اجتهاد فی‌الجمله اشتباهی است که مختصراً گوشزد می‌شود. زینة‌المدایح که در ۱۲۱۹ تألیف

شده، می نویسد که در سال ۱۲۱۶ مبلغی خطیر بقایای مالیات بر عهده حکام و عمال و رعایای اصفهان و کاشان و قم مانده بود و فتحعلی شاه بخشید و صبا گفت:

بیا بشنو از من یکی داستان / ز خاقان اعظم نه از باستان

ز پنجه گرم کم بود سال پنج / ولی بردم افزون ز صد سال گنج...

و این نوشته خود صریح است در اینکه صبا چهل و پنج سالگی خود را در سال ۱۲۱۶ گفته و بنابراین ولادتش ۱۱۷۱ و مدت زندگانی اش ۶۷ سال می شود و قطعی است که این اشعار بعد از تألیف کتاب زینة‌المدایح نیست و چون تألیف در ۱۲۱۹ بوده، پس پیش از این تاریخ، صبا ۴۵ سال داشته است و بر فرض که در همان سال تألیف ساخته شده باشد، تولدش ۱۱۷۴ و عمرش ۶۵ سال می شود نه ۵۹ [در متن ۵۶] یا ۶۰ سال. نگارنده، اول کسی است که تاریخ ولادت صبا را از روی قرائن درست استخراج کرده است. امیدوارم مأخذ صریح قطعی دیگر به دست آید که ما را از رنج این گونه تتبعات و زحمات بی خود رهایی بخشد» (۱۳۸۵: ۱۹۷ و ۱۹۸).

۵-۲. بررسی داده‌های تاریخی

برای آنکه بتوان تاریخ دقیق تری از سرودن شاهنشاهنامه و تولد صبا تخمین زد، موقتاً تاریخ‌های تعیین شده از سوی بهار و همایی را کنار می گذاریم و به داده‌های تاریخی از آثار و منابع دست اول روزگار صبا می پردازیم، سپس در پرتو این آگاهی‌ها، تاریخ‌های تخمین زده توسط دو استاد سلف را بررسی می کنیم. برای تعیین زمان تولد صبا، شماری اطلاعات تاریخی در دست است که با بررسی قدم به قدم و مرحله‌ای آن‌ها، می توان به نتایج روشن رسید:

۵-۲-۱. مدت زمان سرودن شاهنشاهنامه

دریچه ورود به بحث، بررسی زمان سرودن منظومه حماسی شاهنشاهنامه است. فتحعلی خان صبا، مهم ترین اثرش شاهنشاهنامه را به مدت سه یا چهار سال سرود. او خود در منظومه به این دوره اشاره می کند:

که سی سال این پهلوانی سخن / که آراست فردوسی انباز من

به گفتن من از فرّ شه خاستم / به سالی سه آن نامه آراستم (صبا، ۱۳۲۵: ۱۷۲ و)

من این داستان‌ها به سالی سه چار / سرودم به نام جهان شهریار (همان: ۴۵۰)

معاصران صبا نیز به این دوره سه ساله اشاره کرده‌اند. فاضل خان گروسی (۱۳۷۶: ۱۵۰) که یکی از

نزدیک‌ترین یاران صبا و از عوامل رواج شاهنشاهنامه است، بر سرودن منظومه در دوره‌ای سه ساله تأکید دارد. البته پژوهشگران معاصر نیز در سرودن این منظومه ظرف سه یا چهار سال تشکیک نکرده‌اند و به نظر می‌رسد که امری قطعی و پذیرفته باشد. با این حال، ممکن است قدری مبالغه در آن دیده شود، کما اینکه این مبالغه در تعداد ابیات شاهنشاهنامه قابل مشاهده است. صبا خود آشکارا، تعداد ابیات را چهل هزار بیت ذکر می‌کند (صبا، ۱۳۲۵: ۴۵۰ و) و معاصرانش نیز بر آن صحنه می‌گذارند. البته پژوهشگران معاصر هم در این تعداد تشکیک نکرده‌اند درحالی‌که تعداد ابیات شاهنشاهنامه بر اساس نسخ خطی به سی‌وسه هزار بیت هم نمی‌رسد. صبا و پیروانش می‌کوشیدند از رهگذر شمردن میزان و تعداد ابیات سروده شده در زمانی کوتاه، صبا را بر فردوسی برتری دهند (فاضل گروسی، ۱۳۷۶: ۱۵۰)، از این رو هرچه تعداد ابیات بیشتر و دوره سرودن کوتاه‌تر بود، شأن صبا افزون می‌شد. با توجه به آنکه صبا در بیت خود به «چهار سال» نیز اشاره کرده است، به نظر می‌رسد که این عدد صحیح‌تر باشد.

۵-۲-۲. تاریخ سرودن شاهنشاهنامه

منابع درباره زمان سرودن شاهنشاهنامه اختلاف دارند. مثلاً چنان که بهار گفته است، سال ۱۲۲۴ق. آغاز سرودن منظومه است و منابع بسیار دیگر، از سال ۱۲۲۸ق. سخن گفته‌اند. بنابراین اگر قول اول را بپذیریم، شاهنشاهنامه در بازه ۱۲۲۴ تا ۱۲۲۸ق. سروده شده است و اگر قول دوم را ملاک قرار دهیم، بازه سرودن منظومه مابین سال‌های ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۲ق. خواهد بود. هر دو این زمان‌ها قطعاً غیرقابل قبول‌اند. در دیرین‌ترین نسخه کامل شاهنشاهنامه که تاکنون به دست آمده است، تاریخ پایان کتابت «غرّه ماه رجب من شهور سنه ۱۲۲۵» ثبت شده است. این تاریخ با وقایع تاریخی ثبت شده در منظومه نیز مطابقت دارد. آخرین واقعه شاهنشاهنامه که قابل تطبیق با تواریخ آن روزگار است، مذاکرات صلح عسکران میان قائم‌مقام فراهانی و ژنرال ترموسوف، فرمانده سپاه روس است. این واقعه در ربیع‌الاول سال ۱۲۲۵ق. اتفاق افتاد (دنبلی، ۱۳۸۳: ۳۲۸ و هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۳: ۲۲۰). همچنین در بخش فرجامین روایت منظومه، فرمانده روس‌ها با سرداران خود سخن می‌گوید و این چنین به عباس میرزا اشاره می‌کند:

«کنون هفت سال است کاین شیردل / ز گرگان روسی بود پی‌گسل» (صبا، ۱۳۲۵: ۴۴۶ و)

با توجه به آغاز جنگ در سال ۱۲۱۸ق.، این اشاره به سال ۱۲۲۵ق. باز می‌گردد. بنابراین، سرودن منظومه در سال ۱۲۲۵ق. به پایان رسیده است. ممکن است پرسش ایجاد شود که چگونه کاتب توانسته در مدت چند ماه، منظومه‌ای را که حدود سی‌وسه هزار بیت دارد، تحریر کند. نخست آنکه اطمینانی مبنی بر شروع کتابت پس از پایان کامل سرودن وجود ندارد و چه بسا که کاتب در دوره سه چهارساله

مشغول کتابت هم‌زمان بوده. از طرفی دیگر کاتب مذکور، میرزا مهدی حسینی فراهانی، ملک‌الکتاب دربار فتحعلی شاه است. در تذکره‌های عصر قاجار او را به توانایی شگرف سرعت نگارش ستوده‌اند: «در هنگام تعجیل، روزی هزار بیت درست نغز لطیف نیکو می‌نگاشته» (هدایت، ۱۲۷۰: ۸۲۵). چه بسا که فراهانی در هنگام کتابت شتابان شاهنشاهنامه، به این شهرت رسیده باشد.^۲

۵-۲-۳. سفر شاه به میدان جنگ

تمامی تذکره‌ها و بالاتر از همه آن‌ها مقدمه نشاط بر شاهنشاهنامه (نک. صبا، ۱۲۲۵: ۹) در اشاره به انگیزه سرودن منظومه، به داستانی واحد اشاره کرده‌اند: فتحعلی شاه در سفری جنگی به میدان نبرد با روسیه می‌رفت و ملک‌الشعرا ملتزم رکاب او بود، البته صبا میدان جنگ را ندید و در میانه راه بیمار شد و بازگشت. صبا وقایع جنگی را که از آن آگهی داشت، سرود و شاه شعرشناس بسیار آن را پسندید، پس دستور داد که شاعر دربار، تاریخ سلطنت او و پدرانیش را نیز بسراید. در اصل این داستان تشکیکی وارد نشده است، اما در سال این سفر اختلافاتی وجود دارد. چنان که دیدیم، بهار تاریخ این سفر را سال ۱۲۲۴ق. می‌داند و منابعی دیگر، سال ۱۲۲۸ق. را زمان سفر دانسته‌اند. البته با وجود نسخه کاملی از شاهنشاهنامه، به سال ۱۲۲۵ق. و پذیرش دوره سه یا چهارساله برای سرودن اثر، هر دو این نقل‌ها رد می‌شوند.

به نظر می‌رسد معقول‌ترین تاریخ برای سفر شاه و به تبع آن سرودن شاهنشاهنامه، سال ۱۲۲۰ق. باشد، چنان که منابع دست‌اول نیز از سفر شاه در این سال به میدان جنگ سخن گفته‌اند: «در بهار سال یک‌هزار و دویست و نوزده [۱۲۱۹ق/۱۸۰۴ م] ... رای شه‌ریار کامکار بر آن مقرر شد که عزیمت آذربایجان و تدمیر سرکشان دور و نزدیک آن سامان را به نفس مبارک تقدم فرمایند... رایت ظفرآیت حضرت شاهنشاه در جمعه بیست چهارم شهر مذکور [صفر] با کوبه سلیمانی و دبدبه سلطانی روانه سلطانیه گردید» (هدایت، ۱۲۷۰: ۶۳۹).

در مآثر السلطانیه، به سفر شاه به آذربایجان برای جنگ با روس‌ها اشاره شده است: «در اواخر ذی‌الحجه الحرام ۱۲۱۸ق موبک همایون به طالع سعد و فال میمون به سمت آذربایجان در حرکت آمد» (دنبلی، ۱۳۸۳: ۱۶۶). اردوی شاه در سلطانیه برقرار شد و چندی بعد در سال ۱۲۱۹ق. «با همان لشکر که در رکاب نصرت‌آثار حاضر بود، به عزم جنگ روسیه اعلام فیروزی فرجام را در حرکت آورد» (همان: ۱۸۸). به نظر می‌رسد داستان سرودن شه‌نشاهنامه در این سفر اتفاق افتاده باشد. بنابراین، صبا در سال ۱۲۱۹ق. همراه سلطان به سفر آذربایجان رفت و در حین سفر به علت بیماری بازگشت. احتمالاً او در

همان ایام یکی از جنگ‌ها را به نظم درآورده. پس از مدتی اشعار صبا را برای شاه خواندند، شاه نیز آن اشعار حماسی را پسندید و به ملک‌الشعرا دستور داد تا تاریخ او و پدراش را بسراید. پس سرودن شاهنشاهنامه پیش از سال ۱۲۲۰ق. ممکن نیست و چون صبا به دوره‌ای چهارساله اشاره کرده و کار سرودن در ۱۲۲۵ق. پایان یافته است، بازه سرودن شاهنشاهنامه، مابین سال‌های ۱۲۲۱ تا ۱۲۲۵ق. بوده است.

۵-۲-۴. اشارات مستقیم بعضی ابیات

صبا در دیباچه شاهنشاهنامه، در ابیاتی به سن خود اشاره می‌کند. او در این ابیات، ذیل تمجید پادشاه که برخلاف پادشاهان پیشین، مالیات‌های سنگین از رعیت نمی‌گیرد، بلکه به آنان چیز می‌بخشد، می‌گوید:

«کنونت گزارم یکی داستان / ز دارای گیتی نه از باستان
ز پنجه گرم کم بود سال، پنج / دلی بردم افزون ز صد سال رنج» (صبا، ۱۲۲۵: ۱۶)

با توجه به اینکه این ابیات در آغاز شاهنشاهنامه آمده است، می‌توان سن صبا را در شروع سرودن منظومه ۴۵ سال دانست. سال شروع منظومه نیز بنا به احتمال ۱۲۲۱ق. است.

۵-۲-۵. خداوندنامه

دیباچه خداوندنامه، این فرض را تأیید و تکمیل می‌کند. به روایت بخش پایانی شاهنشاهنامه و بخش آغازین خداوندنامه، صبا پس از آنکه شاهنشاهنامه را به پایان برد و به رویت شاه رساند، از او دستور یافت تا مثنوی پهلوانی دیگری در بزرگداشت پیامبر و معصومین بسراید. صبا در دیباچه خداوندنامه، ضمن بیان این داستان، قرائنی ارائه می‌دهد که فرضیات پیشین را تأیید می‌کند. او می‌گوید که در روزی بزرگ، که پادشاه در اردوی نظامی بود و فرستادگان از هر سو به نزدش می‌آمدند، نسخه نهایی شاهنشاهنامه را تقدیم کرده و در همان روز شاه او را به سرودن خداوندنامه مأمور نموده است. او در این ابیات سن خویش و سال رویداد را گزارش می‌کند:

«ز آغاز و انجام هر شهریار / بماندم به گیتی یکی یادگار
پراکند دارا به من گنج زر / بلی نیست جز زر بهای گهر
به یزدان که شاهنشه روزگار / مرا در سخن آمد آموزگار
مرا سی‌وشش سال گردان سپهر / از این خاک در داشت بی‌بهره چهر
کنون چارده سال باشد که بخت / بدین آستانم درآورد رخت
به پنجاه زد گرچه پی سال من / ولی آخت زین چارده یال من
ز هر در سخن از شه آموختم / ز گنجش بسی گوهر اندوختم» (صبا، بی‌تا: برگ ۸)

صبا آشکارا به پنجاه سالگی اشاره می‌کند و از سابقه چهارده ساله خود در دربار فتحعلی شاه می‌گوید. با توجه به آنکه صبا، در هنگام پادشاهی فتحعلی شاه به سال ۱۲۱۲ ق. او را مدح گفته است (همایی، ۱۳۸۵: ۱۹۶ و آریان پور، ۱۳۸۷: ۲۲)، در سال ۱۲۲۶ ق. چهارده سال از حضور او در دربار شاه می‌گذرد. همچنین به گواهی اسناد تاریخی، در بهار سال ۱۲۲۶ ق.، شاه از پایتخت به آذربایجان سفر کرده است (دنبلی، ۱۳۸۳: ۳۴۶)؛ این همان سفری است که صبا در آن شاهنشاهنامه را به سلطان هدیه می‌کند:

«جهان کدخدا با سپاهی گران / ز ری راند زی آذربادگان...»

من آن روز آن نامه نامدار / که راندم در آن راز آن شهریار

زدم از نیاکان شه داستان / نهفتم در آن گنج دریا و کان...» (صبا، بی تا: برگ ۸)

بنابراین شاعر در آن سال پنجاه ساله است. این کلید محاسبه تاریخ‌های مرتبط با زندگی فتحعلی خان صباست. با این حساب، فتحعلی خان صبا در سال ۱۱۷۶ ق. به دنیا آمد. او در چهل و پنج سالگی، به سال ۱۲۲۱ ق. سرودن شاهنشاهنامه را آغاز کرده و در سال ۱۲۲۵ ق. آن را به پایان برده است. در پنجاه سالگی، به سال ۱۲۲۶ ق. نیز به امر شاه، به سرودن خداوندنامه دست یازیده است. چنانچه نقل تذکره انجمن خاقان را معتبر بدانیم، خداوندنامه در سه سال سروده شده است (فاضل گروسی، ۱۳۷۶: ۱۴۷)؛ بنابراین، تاریخ پایان آن ۱۲۲۹ ق. است. احتمالاً در آن سال، دربار شاه پس از شکست در جنگ‌های اول از روسیه وضعیت چندان بسامانی نداشته، از این رو خداوندنامه بر خلاف شاهنشاهنامه، بدون مؤخره‌ای درخور به شاه تقدیم شده و صرفاً با پایان داستان، پایان یافته است.

۵-۳. تحلیل روایت‌های بهار و همایی

حال می‌توان این روایت را با روایات بهار و همایی قیاس کرد. دو استاد فقید، به علت عدم تصحیح شاهنشاهنامه و خداوندنامه در آن زمان، به همه نسخه اصلی و مهم دو منظومه دسترسی نداشتند، بنابراین در تخمین زمان دچار خطا شده‌اند.

بهار به واسطه فرض نادرست زمان سفر جنگی شاه در تخمین تاریخ سرودن اثر و تولد صبا اشتباه کرده. او سفر شاه را در ۱۲۲۴ ق. فرض نموده. این فرض زمان سرودن شاهنشاهنامه را با مشکل مواجه کرده و به تبع آن، با توجه به قید چهل و پنج سالگی صبا، تخمین زمان تولد نیز اشتباه است. همچنین با توجه به وجود نسخه‌ای به تاریخ ۱۲۲۵ ق.، فرض بهار قابل قبول نیست. البته برای ابطال این فرض، دلایل دیگری نیز وجود دارد که یکی از آن‌ها به شخص بهار مرتبط می‌شود. میرزا احمد صبور، جد بهار، از شاعران دستگاه قاجار بود. او در عین حال مسئولیتی نظامی داشت و در جنگ‌های ایران و روس

جنگید. در تواریخ آمده است که صبور، در جنگ ارکوان طالش، به سال ۱۲۲۸ق. به دست روس ها کشته شده است (فاضل گروسی، ۱۳۷۶: ۲۷۷ و هدایت، ۱۳۸۲: ۹۹۱)؛ به روایت ضرابی، او در این جنگ چهار گلوله و بیست و هشت نیزه خورده (ضرابی، ۱۳۷۸: ۳۶۷). در شاهنشاهنامه، هنگام ذکر شاعران دربار، صبا به برادرزاده خود صبور اشاره می‌کند. وصف او نشان می‌دهد که صبور، زنده و قبراق، در خدمت دستگاه قاجار است:

«دگر بذله‌گو چاکر شه، صبور/ سپهر هنر را فروزنده‌هور

به گفت دری اوستادی شگرف/ به تازی همش دل چو دریای ژرف

دلاور جوانی‌ست از مرز کاش/ به نیروی چنگال خاراخراش

همیدون به فرمان شاهنشهی/ جهانسوز عباس شه را رهی

دبیری به فرهنگ در بزمگاه/ به سرباز سرهنگ در رزمگاه

صبا را که تارک بدین در بود/ مهین‌پور پاک برادر بود

چو از جان درت را ستایش‌گر ست/ گرنامه‌یه چون جان برش زان در ست» (صبا، ۱۳۲۵: ۳۰۰)

بدیهی است که اگر میرزا احمد صبور، در هنگام سرودن این ابیات شاهنشاهنامه در گذشته باشد، صبا از شمردن خدمات خاندانش برای شاه فروگذار نمی‌کرده. چنانچه چند نسخه از شاهنشاهنامه در سال‌های ۱۲۲۵-۱۲۲۷ق. وجود نداشت، تنها به واسطه این ابیات، پایان سرودن شاهنشاهنامه باید پیش از ۱۲۲۸ق. می‌بود. بنابراین، گزارش‌هایی که سفر جنگی شاه را در سال ۱۲۲۸ق. تعریف می‌کنند به کل رد می‌گردد، و گزارش بهار نیز با احتساب چهار سال زمان برای سرودن شاهنشاهنامه، دچار تشکیک می‌شود.

در روایت همایی، گرچه به درستی روایت بهار رد و ادعا شد که برای نخستین بار، تاریخ دقیق تولد صبا مشخص شده است، اما تاریخ مورد نظر ایشان هم نادرست به نظر می‌رسد. اگر صبا در ۱۲۱۹ق. این ابیات شاهنشاهنامه را سروده بود و اثر را در سه یا چهار سال به پایان برده بود، چگونه وقایع سال ۱۲۲۵ق. در آن بازتاب یافته است؟ صلح عسکران و اشاره به حضور هفت ساله عباس میرزا در جنگ با روس، اثبات می‌کند که بازه روایت منظومه تا ۱۲۲۵ق. گسترده است. در صورت پذیرش روایت همایی، ادعای صبا در چندین جا مبنی بر سرودن شاهنشاهنامه در سه یا چهار سال، همچنین دعوی معاصران صبا در این باره باطل می‌شود. افزون بر آن، همایی تنها به دلیل آمدن چند بیت از صبا در کتاب زینة‌المدایح از میرزا صادق وقایع‌نگار مروزی و نوشته شدن کتاب در ۱۲۱۹ق.، صبا را در آن سال ۴۵ ساله فرض کرده و سال تولد او را ۱۱۷۴ق. معین نموده است. با توجه به فرض همایی، صبا می‌تواند

متولد سال‌های پیش از آن تاریخ نیز باشد، پس در هر حال، تخمین‌هایی دقیق نیست. با وجود قرائن درون‌متنی گفته‌شده، که علامه به آن اشاره نکرده‌اند، دلیل برون‌متنی نگارش زینة‌المدایح چندان قابل توجیه نیست. پس می‌توان تخمین جلال‌الدین‌همایی را نیز نپذیرفت.

۶. نتیجه

فتحعلی خان صبا، از بزرگ‌ترین شاعران روزگار خود بود. علاوه بر این، در مقام ملک‌الشعراء، مجمعی از ادیبان و هنرمندان بزرگ را در دربار فتحعلی شاه گرد آورد تا پس از وقفه‌ای طولانی، سنت تاریخی هنرپروری در دربار احیا شود. به‌رغم جایگاه صبا، به‌عنوان شاعری برجسته و صاحب‌سبک و مکتب‌ساز، اطلاعات تاریخی دربارهٔ بعضی جزئیات مهم زندگی و آثار او ناقص و گاه اشتباه است. متأسفانه، ثبت اشتباه بعضی اطلاعات در منابع مهم و تراز اول، موجب ورود آن‌ها به پژوهش‌های بعدی شده و به روایی اطلاعات تاریخی اشتباه و ناسازگار انجامیده است. دربارهٔ تاریخ تولد فتحعلی خان صبا و زمان سرودن مهم‌ترین منظومهٔ او، شاهنشاهنامه، منابع هم‌عصر او سکوت کرده و پژوهشگران بعدی، ناچار به حدس و گمان دست یازیده‌اند. متأسفانه، به دلیل در دست نبودن متنی تصحیح‌شده از شاهنشاهنامه و عدم دسترسی آسان به نسخه خطی درجهٔ اول آن منظومه، استادان بزرگی چون محمدتقی بهار و جلال‌الدین همایی، در تخمین تاریخ‌های مذکور به اشتباه افتاده‌اند.

پژوهش حاضر، با استفاده از اطلاعاتی که صبا در آثارش ارائه می‌دهد و بهره‌گیری از منابع معتبر دست اول تاریخی، به تخمین نزدیک به واقعیت از تولد شاعر و زمان سرودن منظومه‌های حماسی او - به‌ویژه شاهنشاهنامه - اقدام کرده است. شاید شیوهٔ استدلال برای تخمین تاریخ، به اندازهٔ یافتن زمان آن اهمیت داشته باشد، چرا که درستی شیوه و استواری استدلال، افزون بر خروجی معتبر و قابل اعتماد، راه را بر اهمال در بررسی‌های تاریخی می‌بندد. ارائهٔ اطلاعات نادرست دربارهٔ تولد صبا، منجر به برداشت اشتباه از زمان سرودن شاهنشاهنامه شده است. بسیاری از پژوهشگران، بر اساس تخمین نادرست بازهٔ سروده شدن شاهنشاهنامه، در تعیین اهمیت اثر، به‌عنوان نخستین متن دربارهٔ جنگ‌های ایران و روس، و درک صحیح بعضی وقایع آن دچار اشتباه شده‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، صبا در ۱۱۷۶ق. به دنیا آمده، منظومهٔ شاهنشاهنامه را در بازهٔ زمانی ۱۲۲۱ تا ۱۲۲۵ق. نوشته و احتمالاً از سال ۱۲۲۶ تا ۱۲۲۹ق. نیز مشغول سرودن خدائوندنامه بوده است. بنابراین شاهنشاهنامه نخستین متن موجود دربارهٔ جنگ‌های دور اول ایران و روس است. این منظومه تنها منبعی است که به صورت هم‌زمان، وقایع را گزارش کرده است.

پانوشتها

۱. منظور از دوره صدر قاجار، از آغاز سلطنت آقامحمد خان (۱۲۱۰ق) تا پایان سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۵۰ق) است.
۲. همچنین ممکن است که مجمعی از کاتبان، منظومه را زیر نظر ملک‌الکتاب فراهانی تحریر کرده باشند. در این صورت، نزدیکی بسیار شیوه تحریر کاتبان، قابل تأمل است.

منابع

- آریان‌پور، یحیی (۱۳۸۷) *از صبا تا نیما*، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- بیاتی، نرگس (۱۳۹۴) «حماسه‌سرایی در عصر قاجار با تکیه بر حماسه‌های تاریخی»، به راهنمایی محمدرضا نجاریان. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۷۸) *فارسنامه ناصری*، ج ۱، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- دنبلی (مفتون)، عبدالرزاق (۱۳۴۳) *تذکره نگارستان دارا*، ج ۱، تصحیح عبدالرسول خیام‌پور، تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- دنبلی (مفتون)، عبدالرزاق (۱۳۸۳) *مآثر السلطانیه*، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: انتشارات موسسه ایران.
- صبا، فتحعلی خان (۱۲۲۵) *شهنشاهنامه*، نسخه خطی، کتابخانه ملی انگلستان، ۳۴۴۲.
- صبا، فتحعلی خان (۱۳۱۳) *گلشن صبا*، به اهتمام: ح. کوهی کرمانی، تهران: نسیم صبا.
- صبا، فتحعلی خان (بی‌تا) *خداوندنامه*، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، ۳۶۷.
- صفایی، ابراهیم (بی‌تا) *نهضت ادبی ایران در عصر قاجار*، تهران: کتابفروشی ابن‌سینا.
- ضرابی، عبدالرحیم کلانتر (۱۳۷۹) *تاریخ کاشان*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- فاضل گروسی، عبدالحسین (۱۳۷۶) *تذکره انجمن خاقان*، تهران: روزنه.
- متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۴) «شاهنامه‌ای که پایانش خوش نبود: بررسی یک متن تاریخی دوره قاجار»، پژوهشنامه تاریخ، ش ۱، ص ۷۶ تا ۵۷.
- محمود میرزا قاجار، بن فتحعلی شاه (۱۳۴۶) *سفینه‌المحمود*، ج ۱، تصحیح عبدالرسول خیام‌پور، تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- نخجوانی، حسین (۱۳۲۹) «زندگی و شخصیت ملک‌الشعرا فتحعلی خان صبا»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۱۹۱ تا ۲۰۱.
- هدایت، رضاقلی (۱۲۷۰) *روضه‌الصفاء*، بی‌جا.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۵) *یادداشت‌های استاد علامه جلال‌الدین همایی در حاشیه مجمع الفصاء هدایت*، گردآورنده: ناصرالدین شاه‌حسینی، تهران: هما.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۹۳) *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران: امیرکبیر.